



بِهَشْتِ مَهْرِ بَانِي

ویژه طرح زائران حرم رضوی

اجرای امینانه نیات واقفین خیراندیش

امام رضا علیه السلام: اِنَّ لِكُلِّ اِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ اَوْلِيَايَاهُ وَ شَيْعَتِهِ وَ اَنْ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْاَدَاءِ زِيَارَةُ قُبُورِهِمْ

به راستی، برای هر امامی به گردن دوستان و پیروانش پیمانی است که از شرط های

وفا به این پیمان، زیارت قبور آنان است. (بخارج، ۱۰۰، ص ۱۱۶)



سازمان اوقاف امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

بهشت مهربانی

ویژه طرح زائران حرم رضوی
اجرای امینانه نیات و اققین خیراندیش

ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه
تهیه و تنظیم: مجتمع فرهنگی پژوهشی
مؤلف: حسین ژولیده

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف

نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۳

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

سایت سازمان: www.awqaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه معاونت فرهنگی و اجتماعی
آدرس مجتمع: قم، خیابان جمهوری، بین کوچه ۱۶ و کوچه ۱۸، پلاک ۴۸ مجتمع فرهنگی
پژوهشی معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه
تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۳۶۰۴۲ - ۰۲۵-۳۲۹۳۶۰۴۳ - ۰۲۵

غیرقابل فروش

فهرست

۴	مقدمه:
۵	دیباچه؛
۶	بهشت مهربانی
۸	صفِ زیارت
۱۱	صفایِ دل
۱۲	هدیه امام هشتم <small>علیه السلام</small>
۱۳	چه کنیم که امام رضا <small>علیه السلام</small> ما را یاد کنند؟
۱۵	از حرف تا عمل
۲۱	سه قدم تا تکمیل ایمان
۲۳	بهترین مال
۲۷	آداب زیارت و زیارتنامه امام رضا <small>علیه السلام</small>

مقدمه:

یکی از وظایف اصلی سازمان اوقاف و امور خیریه، به عنوان متولی موقوفات، اجرای امینانه نیات واقفین خیراندیش است. در همین راستا، معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان، با احصاء و استخراج دقیق آمار و ارقام موقوفات مرتبط با موضوع زیارت حضرت علی ابن موسی الرضا علیه السلام، اقدام به برگزاری طرحی کشوری، به نام «طرح زائران حرم رضوی» نمود.

اولین تجربه اجرای موفق این طرح در سال ۹۲ بود که با رضایتمندی بسیار زیاد زائرین گرامی همراه بود و همین امر سبب گردید تا این معاونت با افتخار اقدام به برگزاری دومین دوره این طرح در سال جاری (۹۳) نماید.

یکی از برنامه ها و اهداف اصلی طرح مذکور، ارتقای سطح معرفت دینی و افزایش گرایش معنوی زائرین محترم بوده و در همین راستا، معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان، اقدام به تهیه و تولید کتاب حاضر به قلم حجه الاسلام حسین ژولیده نموده که شامل مباحثی همچون؛ سیره امام رضا علیه السلام، آثار و پاداش زیارت آن حضرت، راه ارتباط دائمی با امام رضا علیه السلام، آداب و فرهنگ زیارت، وقف و... می باشد که امید است مورد استفاده و بهره برداری معنوی زائرین گرامی واقع گردد.

معاونت فرهنگی و اجتماعی
سازمان اوقاف و امور خیریه

دییاجه؛

خدا آبادت کند

مدام به خانه نگاه می نمود و گریه می کرد. زیر لب زمزمه ای داشت که به درستی فهمیده نمی شد. نزدیکتر که می شدی، این گونه نجوا می کرد؛ خدا تو رو سر پا نگه داره، خدا روز به روز، تو رو آبادتر کنه. اگه صحبت، تو رو وقف زیارت نمی کرد، آخه چطوری می تونستم به پابوس اقام امام رضا علیه السلام برم. خدا خودش اجر صحبتو بده. قول می دم تا آخر سفر به یادش باشم و با همین تسبیح براش ذکر و صلوات بفرستم. اصلا پام که به حرم برسه به جاش، یه زیارت مفصل انجام می دم. خدا نگهت داره تا اونایی که چشمشون هنوز به دیدن ضریح آقا روشن نشده، به وسیله تو بیان مشهد و به مراد دلشون برسن.

بهشت مهربانی

چرا اندوهگینی؟ اگر گرفتار بلایی شده‌ای، اگر گره‌ای به کارت افتاده که نمی‌توانی بازش کنی، اگر باری بر دوشت سنگینی می‌کند و اگر دردی تو را اسیر خود کرده است، چرا معطلی؟ چرا می‌خواهی خودت را در دریای حیرت و سرگردانی غرق کنی؟! برخیز. باید کوله‌بارت را برداری و راهی بهشت امام هشتم علیه السلام شوی.

آخر اینجا هر غم و غصه‌ای را برطرف می‌کنند. مگر نشنیده‌ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: بزودی پاره‌ای از بدن من در زمین خراسان دفن می‌شود. هیچ غمگینی او را زیارت نمی‌کند مگر آنکه خدا غمش را از بین می‌برد و هیچ گنهکاری او را زیارت نمی‌کند، مگر آنکه خداوند گناهانش را می‌آمرزد! سخن و سرای باصفای امام رضا علیه السلام برطرف‌کننده‌ی غم و نومیدی است. یأس و ناامیدی در این بارگاه معنا ندارد. تا دیر نشده برخیز و به پابوسش برو. حرمش حال و هوای جذابی دارد. در آستانش احساس سبکی و شادابی به انسان دست می‌دهد. انگار این قسمت از زمین با همه جای دیگرش فرق دارد. لذت عجیبی از زیارتش می‌بری. چه رمز و رازی دارد، بهتر است از خودش بشنوی.

امام رضا علیه السلام فرمودند: «در خراسان محلی است که مکان رفت و آمد فرشتگان می گردد و تا روز قیامت عده‌ای از ملائکه از آسمان نازل می شوند و عده‌ای دیگر به آسمان می روند. آنجا زمین طوس است. به خدا سوگند! آنجا باغی است از باغ‌های بهشت. هر کس مراد در آن محل زیارت کند، مثل این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده است و خداوند متعال به ازای این زیارتش ثواب هزار عمره‌ی مقبول به وی عطا کند و روز قیامت من و پدرانم او را شفاعت می کنیم!».



صفِ زیارت

برای زیارت مرقدمطهرش، فرشتگان الهی صف کشیده‌اند. زیارتشان که تمام شد و به آسمان رفتند، گروه دیگر نازل می‌شوند. ملائکه خدا، حق دارند که برای زیارت قبر مطهرش این چنین مشتاقانه از هم سبقت بگیرند. آخر امام رضا علیه السلام آنچنان به عبادت خداوند مشغول می‌شد که فرشتگان الهی مبهوت حضرت می‌شدند.

در وصف عبادتش همین بس که حضرت پیراهنی به "دعبل" عطا کردند و به وی فرمودند: «از این پیراهن مراقبت کن که من هزار شب و هر شب هزار رکعت با آن نماز خوانده‌ام و هزار مرتبه در آن لباس، قرآن را ختم کرده‌ام». آن امام معصوم علیه السلام، هر سه روز قرآن را ختم می‌کردند و می‌فرمودند: «اگر بخواهم می‌توانم هر روز قرآن را ختم کنم، اما می‌خواهم در آیاتش تأمل کنم»^۱.

شب‌ها کم می‌خوابید، بیشتر بیدار می‌ماند. اکثر شب‌ها از اول تا آخر احیا می‌کرد. سجده‌هایش بسیار طولانی بود. بسیاری از روزها را روزه می‌گرفت.

۱ و مسائل الشیعه، ج ۴، ص ۹۹.
۲ المناقب، ج ۴، ص ۳۶۰.

سه روز روزه در هر ماه از وی فوت نمی شد و می فرمود: «این روزهی همهی عمر است»!

امام رضا علیه السلام در خوش اخلاقی نیز بی نظیر بود. هیچ گاه با سخن خود دیگران را آزار نداد. سخن هیچ کس را قطع نکرد. همیشه چهره ای خندان داشت. هنگام نشستن، هرگز پای خود را دراز نمی کرد. در حضور دیگران هرگز به دیوار تکیه نمی زد. هیچ حاجتمندی را مأیوس باز نمی گرداند. به عیادت بیماران می رفت. در تشییع جنازه ها شرکت می جست. خودش شخصاً از مهمانان پذیرایی می کرد و در یک کلام، نمونهی کامل اخلاق بود که ما باید اخلاق را از ایشان یاد بگیریم.



صفای دل

هر که می‌خواهد به دلش صفایی بدهد، کجا بهتر از آستان امام رضا علیه السلام.
آخر اگر ما گنهکاران به او پناه نبریم، کوله‌بار گناهانمان را کجا خالی کنیم؟
دلمان را با محبت چه کسی صیقل دهیم؟!
مگر غیر از این است که در زیارتش می‌خوانیم: «ای مولای من! پدر و
مادرم فدای تو باد. من به قصد زیارتت آمدم و به درگاہت وارد شده و از شر
خیانت‌هایی که به خود کرده و گناہانی که بر پشتم سنگینی می‌کند، به شما
پناه آورده‌ام تا روز فقر و بینوایی‌ام نزد خداوند مرا شفاعت کنی؛ چرا که تو
آبرومند و دارای مقام شفاعت هستی.»

پس از آنکه دوده‌های گناه را از دلت پاک نمودی و به امام رضا علیه السلام
عرض سلام و ارادت کردی، به آقا بگو ای پسر فاطمه! تو آن گونه‌ای که
هیچ حاجتمندی را مایوس از در خانه‌ات باز نمی‌گردانی. شب‌های تاریک در
مدینه می‌گشتی و مستمندان را کمک می‌کردی. اکنون من بینوای پای خود
به درگاہت آمده‌ام و چشم به عنایتت دوخته‌ام. مگر می‌شود از کریم، غیر از

کرم و بخشش انتظار داشت. مگر می شود از رؤف غیر از رأفت و مهربانی توقع داشت.

در مدینه که بودی، با پای مبارک خویش به عیادت بیماران می رفتی. اکنون من بیمار به تو پناه آورده‌ام. تنها گوشه‌ی چشمی از تو کافی است که دردهای ظاهری و باطنی‌ام را دوا کند.

مولا جان! به بدی من نگاه نکن. به خوبی خویش بنگر. این بی سروپا منتظر عنایت توست تا سر و سامان بگیرد...

نومیدی و درگاه تو، بی سابقه باشد
هر کار ز تو آید و این کار نیاید
آخر به کجا روی کند ای همه رحمت
گر در بر تو شخص گرفتار نیاید
دیدم همه جابر در و دیوار حریمت
جایی ننوشته است گنه‌کار نیاید

هدیه امام هشتم علیه السلام

هدیه ای ارزشمند است که انسان به آن نیاز داشته باشد و بتواند آن را در اختیار دیگران قرار دهد تا آنها نیز بهره مند شوند.

اما کدام هدیه می تواند این ویژگی ها را داشته باشد؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ هدیه ای بهتر و بالاتر از نصیحتی که انسان را به خدا نزدیک و از گناه دور کند نیست.

اکنون که دانستیم بهترین هدیه چیست پنج توصیه امام رضا علیه السلام را با جان و دل بپذیریم که فرمود:

۱- نسبت به دارایی دیگران بی اعتنا باش، که این خود بزرگترین بی نیازی است.

۲- از حرص و طمع بپرهیز، زیرا آن بدترین فقر و بینوایی است.

۳- در حال نماز مانند کسی باش که آخرین نمازش را می خواند.

۴- از کاری که تو را وادار به عذرخواهی کند، دوری کن.

۵- آنچه برای خودت می پسندی برای دیگران نیز پسند.

چه کنیم که امام رضا علیه السلام ما را یاد کنند؟

خوشا به حال کسانی که امام رضا علیه السلام آنها را یاد می کند. چه افتخاری از این بالاتر؟ یک یاد مولا یمان به تمام دنیا می ارزد. جا دارد کسی از شوق اینکه مولا یادش کند جان دهد. کاش در دعاهای مولا یمان ماهم جایی داشتیم. اما، ما کجا و حضرت عشق کجا؟ مگر می شود امام مهربانمان، گوشه چشمی به ماهم بیندازد؟! باورش سخت است. اما ناامیدی که در این بارگاه جایی ندارد. خودش راه اینکه ما را یاد کند را هم، بیان فرموده است. مولا یمان یک معیار اساسی و همگانی بیان فرموده و هر کس در هر جا و در هر شرایطی می تواند خود را بدان محک بزند.

یکی از یاران حضرت رضا علیه السلام می گوید: خدمت حضرت رضا علیه السلام عرض کردم، مرا از دعا فراموش ننماید. امام علیه السلام فرمود: آیا گمان داری که من تو را فراموش می کنم؟ با خودم فکر کردم که این بزرگوار برای شیعیانش دعا میکند، من هم که از شیعیانش هستم پس برای من دعا میکند. لذا به حضرت عرض کردم: من فکر نمی کنم که شما مرا از دعا فراموش کنید. امام فرمود: از کجا فهمیدی که تو را از دعا فراموش نمیکنم؟ عرض کردم: من شیعه ی شما هستم، شما هم برای شیعیانتان حتماً دعا می کنید، پس

برای من هم دعا میکنید حضرت فرمود: آیا راه دیگری به نظرت میرسد که از آن بفهمی من تو را دعا میکنم؟ گفتم: نه، راه دیگری به نظرم نمی رسد. حضرت فرمود: هر گاه خواستی بدانی نزد من چه جایگاهی داری، بنگر من در نزد تو چه جایگاهی دارم.

«دل»، پُل ارتباطی بین ما و مولا یمان است. هر کسی باید به دل خودش نگاه کند! ببیند چقدر مولا را دوست دارد و او را یاد می کند به همان میزان امام رضا علیه السلام نیز به او محبت می ورزد. از این رو معلوم می شود کسی که به خاطر محبت امام رضا علیه السلام از گناهی دست کشد، آقا هم او را یاد می کند. کسی که با مولا یش عهد ببندد، واجبات و تکالیفش را بهتر انجام دهد امام مهربانم هم او را یاد می کند.

نکته ای که باید بدان توجه نمود این است که این معیار و ملاک برای تمام اهل بیت علیهم السلام است. از این رو هر کس می خواهد ببیند چه موقعیت و جایگاهی پیش امام زمان ارواحنا فداه دارد می تواند خود را با این ملاک بسنجد و تطبیق دهد.

هر که دوست دارد بداند آن حضرت از او خوشنود است یا ناراضی؟ راه تشخیص همین است که امام رضا علیه السلام بیان فرموده است. باید توجه نمود که میزان محبوبیت و مقبولیت هر کسی نزد امام زمانش به میزان ارج و منزلتی است که امام عصر ارواحنا فداه نزد او دارد. از این رو می توان با انجام تکالیف و تلاش برای دوری از گناهان، و یاد و دعا برای ظهور آن عزیز غایب از نظر، مشمول عنایات و دعاهای حضرت قرار گرفت.

از حرف تا عمل

توجه! توجه! این یک تهدید همگانی است. همه در معرض ضرر و زیانی جدی هستند. زیانی که شاید برای خیلی‌ها قابل جبران نبوده و زندگی آنها را به باد فنا دهد. وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ...^۱

مثل اینکه سیلابی ویرانگر به سوی شهرها و آبادی‌ها به راه افتاده باشد و بخواهد همه را با خود ببرد و به هلاکت و نابودی بکشاند. در این بین تنها کسانی که بتوانند به کوه یا سرپناهی محکم پناه ببرند نجات می‌یابند. آن پناهگاه را هم قرآن کریم بیان کرده و فرموده: إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...^۲

آری ایمان به خدا پناه گاهی نجات بخش و مطمئن است. در زمانه‌ای که سیلاب گناه و معصیت، جان انسان‌های زیادی را به خطر می‌اندازد، با تمسک به ایمان و عمل به لوازم آن می‌توان از خطر غرق شدن خلاص شد. در هجوم سیل آسای گناه و معصیت، استرس و اضطراب، پوچی‌گری و بی‌هدفی، آنچه که به زندگی انسان معنا می‌بخشد و پنجره‌ای از امید به

۱ سوره عصر آیه ۱

۲ سوره نصر آیه ۳

روی او می‌گشاید، باور به خداست. در اقیانوس دنیا که هر گناهی به مثابه یک وزنه سنگینی است که به پای انسان بسته می‌شود و او را تا قعر اقیانوس می‌کشاند، این ریسمان آسمانی ایمان و اعتقاد به خداوند است که به سوی انسان‌ها فرستاده شده تا هر که می‌خواهد نجات پیدا کرده و رستگار شود، به آن متمسک و متوسل شد.

ایمان، در بیابان حیرت و سرگردانی، به انسان جهت می‌دهد تا راه را پیدا کند. چراغ روشنی است که آدمی را از تاریکی و ظلمت خودخواهی به ساحل امن خداخواهی می‌کشاند. خوشبختی حقیقی تنها در سایه ایمان و باور به خداوند است. از این رو، هر که ایمانی محکمتر داشته باشد، بهره بیشتری از خوشبختی نصیبش می‌شود. بدبخت و بازنده حقیقی هم، کسی است که از ایمان بهره‌ای نبرده باشد. چنین کسی تمام زندگی‌اش را باخته است چرا که کار خیر و اعمال صالح، تنها در سایه ایمان پذیرفته می‌شود و اگر کسی ایمان نداشته باشد، هر کار خیری که انجام می‌دهد، خدای متعال در همین دنیا با او تسویه حساب نموده و آخر سر هم، باید دست خالی قدم به جهان دیگر، که زندگی اصلی‌اش در آنجاست، بگذارد.

اکنون که ارزش و اهمیت ایمان دانسته شده، این سوال پیش می‌آید که ایمان چیست؟ مومن کیست و نشانه‌های ایمان کدام‌اند؟ از کجا بدانیم ما هم مومن هستیم و چگونه می‌توان در خیل مومنین قرار گرفت؟
پاسخ را امام رضا علیه السلام بیان نموده و فرموده:

اَلْإِيْمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ

مولایمان با این بیان رسا، هم سنگ محکی برای ایمان مشخص نموده تا هر کسی ادعای ایمان نکند و هم، راه دستیابی به ایمان و مومن شدن را فرار روی بندگان خدا قرار داده است. چرا که ایمان به حرف نیست. به ادعای صِرف نیست. کسی که می‌خواهد مومن شود باید تلاش کند و این سه ویژگی را به دست آورد.

مرحله اول: معرفت قلبی

ایمان با شناخت و معرفت شروع می‌شود. ابتدا انسان باید نسبت به خداوند متعال معرفت قلبی پیدا نموده و او را بشناسد. بداند که خدایی دارد، خدایی که هم خالق اوست و هم پروردگار و مربی او، و هیچگاه تنه‌ایش نمی‌گذارد. برایش برنامه‌ای ویژه دارد تا او را به بهترین شکل ممکن پرورش و رشد دهد. بداند که خداوند متعال در همه حال حاضر و ناظر بر اعمال اوست. در هر لحظه‌ای صدایش را می‌شنود و پاسخش را می‌دهد. بی‌هیچ دغدغه و تکلفی می‌تواند با او سخن بگوید. از هر کسی به انسان مهربانتر است. از این رو توبه بنده‌اش را به راحتی می‌پذیرد. خودش مشتاقانه به انتظار بازگشت بندگان گنهکارش نشسته و هزاران بهانه به دست آنان می‌دهد تا آنها را ببخشد و پاک کند.

بداند که پروردگار مهربان، از هر کسی به بنده‌اش نزدیک تر است. بهتر از هر کسی درد بنده‌اش را می‌داند و می‌تواند به فریادش برسد. بیش از هر کسی برای بنده‌اش دلسوزی می‌کند و خیر و صلاح بنده‌اش را می‌خواهد. از این رو برای خوشبختی دنیا و سعادت آخرت او، برنامه‌ای دقیق و لطیف پیش روی بندگان قرار داده و با واجب نمودن برخی از اعمال، راه رسیدن

به بهشت را اینگونه برای آنها هموار نموده است.

مرحله دوم: اقرار به زبان

از کوزه همان برون تراود که در اوست. وقتی کسی دل در گرو محبوبی داشته باشد مدام ذکر و نام او را بر لب دارد. همیشه او را به بزرگی یاد می کند و مدام از خوبی هایش می گوید.

اگر کسی اعتقاد قلبی دارد که خداوند متعال همه کاره عالم است دیگر نباید خود را کسی حساب کند و از خود بگوید. هر کار نیک و صالحی را که انجام می دهد از خدا بداند و به او نسبت دهد.

گفتارش باید عقایدش را تایید کند. در برنامه ریزی ها و کارهایی که می خواهد انجام دهد خدا را مد نظر داشته باشد، به او توکل نموده و به اذن و خواست او محول کند و انشاءالله بر سر زبانش باشد. درست مثل معشوقی که هر کاری که می خواهد انجام دهد می گوید اگر محبوبم اجازه دهد انجام می دهم.

اگر خداوند متعال را قادر مطلق می داند باید از عباراتی از قبیل اول خدا، دوم شما، که بوی شرک می دهد استفاده نکند. در تمام حالات، قلبش بر زبانش حکمفرمایی کند. حتی در سختی ها و مصیبت ها حمد و شکر الهی از زبانش نمی افتد و با بیانی از سررضایت، خیر دانستن پیش آمد را به همگان اعلام می دارد.

انسان مومن نه تنها از بیان اعتقاداتش خجالت نمی کشد بلکه به آن افتخار

و با شهامت تمام، بندگی خود را به وسیله گفتار خود به نمایش می گذارد. اگر در بین کسانی قرار گیرد که بویی از دین و ایمان به مشامشان نرسیده است و او را به به گناه دعوت کنند به راحتی میتواند نه بگوید و علت آن را هم راضی نبودن خداوند به انجام گناه دانسته و از بیان اعتقاداتش ترس و واهمه‌ای نخواهد داشت.

مرحله سوم: عمل با اعضا و جوارح

مرحله آخر مرحله عمل است. عمل صالح میوه اعتقاد سالم و صالح است. اگر کسی اعتقاد صحیح داشته باشد باید نتیجه و ثمره‌اش در اعمال او نمایان شود. اگر کسی ادعا کند که به خدا اعتقاد دارد، عمل او باید اعتقاداتش را تایید کند. انجام واجبات و ترک محرمات نشانه باور راسخ به خداوند متعال است. اگر کسی خدا را شناخته و انجام دستورات او را واجب می داند دیگر در انجام تکالیف و واجباتش سستی نمی کند. دیگر انجام واجبات برایش سخت نیست. بذر اعتقاد به رازقیت خدا باید در پرداخت خمس و زکات و بخشش‌ها و انفاق‌های واجب و مستحب به ثمر بنشیند و خود را نشان دهد. کسی که اعتقاد به رازق بودن خدا دارد و هر چه دارد را از او می داند دیگر پرداخت خمس و زکات برایش دشوار نیست. در انفاق‌ها و بخشش‌های واجب و مستحب دستش نمی لرزد.

اعتقاد به بصیر و بینا بودن خدا نتیجه‌اش حیای از خدای مهربان و پرهیز و دوری از گناهان است. از این رو هر چه در این مسئله اعتقاد انسان قوی تر باشد پرهیزش از گناهان بیشتر خواهد بود. نتیجه اعتقاد به پاداش الهی هم،

دوری از ریا و خودنمایی است. کسی که معتقد است خداوند می بیند و پاداش می دهد دیگر به توجه و نگاه دیگران کاری ندارد و از بی توجهی آنها دلخور و دلسرد نمی شود. خلاصه به مقتضای اسماء و صفات الهی، بنده نیز بر اساس باور و ایمانی که دارد، رفتارش را همانگونه تنظیم می کند.

با این بیان می توان ایمان را به بذری تشبیه کرد که باید در دل و جان انسان منزل کند و در آنجا بارور شده و رشد کند. نشانه رشد آن هم، بیان و اقرار به باورها و اعتقادات است. درخت ایمان آنگاه به کمال خود می رسد که به ثمر بنشیند. و گرنه او را شکسته و تبدیل به هیزم می کنند.

یادمان باشد؛ عمل صالح میوه و ثمره بذری است که در قلب رشد و در بیان جلوه نموده است.



سه قدم تا تکمیل ایمان

ساختمان هر چه کامل تر باشد، استفاده از آن بهتر، دوام، آسایش و امنیتش نیز بیشتر خواهد بود. ایمان ساختمان‌مانی است که هر کس به آن پناه ببرد، آرامش دنیا و آخرت، و امنیت از آتش سوزان جهنم را برای خود خریداری نموده است. ایمان نیز هر چه کامل تر باشد بهره انسان از آرامش و امنیتش بیشتر خواهد بود. اما چگونه می‌توان ایمان خود کامل نمود تا بیشترین سود و بهره را از آن ببریم؟ بهتر است پاسخ را از عالم آل محمد حضرت امام رضا علیه السلام بشنویم که فرمود:

هیچ بنده‌ای حقیقت ایمانش را کامل نمی‌کند، مگر این که در او سه خصلت باشد: دین‌شناسی، تدبّر نیکو در زندگی و شکیبایی در مصیبت‌ها و بلاها. ابتدا باید بداند که دین نسخه‌ای برای خوشبختی دنیا و آخرتش است. از این رو تلاش کند دین‌اش را به خوبی بشناسد و بفهمد تا به خوبی بتواند به آن عمل نموده و آن را سرمشق زندگانی خود قرار دهد. بداند اگر در مسیر آنچه که دین از او خواسته قرار گیرد، زندگی او سرشار از آرامش خواهد بود و در آخرت نیز با رستگاران محشور خواهد شد.

در گام دوم، باید برای زندگی و اداره آن برنامه داشته باشد. دخل و خرج زندگی‌اش بر اساس برنامه باشد. رفت و آمدها، خریدها، مسافرت‌ها و... همه و همه بر اساس تدبیر و اندیشه و بر اساس مصلحت و حکمت باشد. از سویی از بخل دوری بجوید و از سوی دیگر، از اسراف و زیاده روی پرهیز

کند. طوری زندگی کند که نه سربار یگران باشد و نه برای خرج زندگی خود و خانواده اش در مانده شود. ملاک زندگی خود را مصلحت های براساس دین قرار داده و در صورت انجام کار درست و صحیح باکی از گفتار و نگاه دیگران نداشته و نگذارد چشم و هم چشمی ها و زیاده خواهی ها او را از مسیر برنامه اش خارج کند. مراقب مال و دارایی خویش باشد که آن را با ولخرجی و اسراف تلف نکند. چرا که برای به دست آوردن هر مقدار از دارایی اش، بخشی از عمر و وقت خود - که تنها یکبار به او عطا شده است - را باید هزینه کند. از این رو باید مراقبت لازم را داشته باشد و بیندیشد که عمرش را در چه راهی و برای چه چیزی خرج می کند.

در قدم سوم نیز؛ باید در ناخوشی ها و نامرادی ها کنترل فکر و دل خویش را از دست ندهد. تا خدایی ناکرده دچار ناشکری و بدبینی به خداوند مهربان نشود. نامالایمات را هم لطفی و عنایتی از جانب خداوند بدانند و با صبر و تحمل، شکر عملی این نعمت را به جای آورد. به خداوند مهربان خویش که از هر کسی نسبت به بنده اش مهربان تر است، حُسن ظن داشته و اعتماد نماید و بر او توکل کند که او بهترین و کیل است.

بهترین مال

هر کسی در طول زندگی اش به میزانی مشخص و معین، ثروت و دارایی نصیبش می گردد. مقدارش چندان مهم نیست چون هر چه باشد می گذرد. اما اینکه از چه راهی به دست آمده باشد و چگونه مصرف شود و با چه دید و نگاهی به ثروت و دارایی بنگریم اهمیت دارد.

نکته ای که باید خیلی به آن توجه نمود این است که ما برای ثروت نیستیم و برای آن آفریده نشده ایم، بلکه ثروت برای ماست و باید خرج ما شود، ما باید برای به دست آوردن و خرج کردن ثروت و دارایی برنامه داشته باشیم و کنترل آن را به دست بگیریم، نه اینکه باز بچه ثروت و مکنت خود شویم و دل و جانمان را به آن بسپاریم تا هر گونه می خواهد آن را به بازی بگیرد. باید به خاطر بسپاریم که امورات زندگی آدمی زاد با میزان و مقداری مشخص می گذرد. اگر بیش از آن خرج شود علاوه بر اینکه اسراف است و گناهی بس بزرگ، در همین دنیا گرفتاری های زیادی برای انسان به بار می آورد. درست مانند کسی که بخواهد بیش از ظرفیت خود غذا بخورد که نه تنها سودی به حالش نخواهد داشت، که توانش را با بیماری ها و در دسرهای بعدی اش

باید پرداخت کند. از این رو باید بدانیم که به پول و دارایی خود چه نگاهی داشتی و چگونه آن را مصرف کنیم. باید بدانیم که ثروت را باید برای افزایش و پیشرفت خود به کار بگیریم نه اینکه عمر و وقت خود را برای افزایش مقدار و میزان آن هزینه کنیم. باید پول و دارایی برای ما، افتخار بیافرینند و بخشی از بهترین های عمر و زندگی انسان شوند.

به راستی کدام کار بهترین کار است. چه کاری به ثروت انسان شرافت می دهد و نشان بهترین مال را به آن عطا می کند؟ خرج کردن ثروت در چه راهی، بیشترین سود را خواهد داشت؟ انجام چه کاری و چه سپرده ای، نتیجه بهتری دارد و بهترین ثروت را برای انسان رقم می زند؟

پاسخ را امام رضا علیه السلام بیان نموده و فرمود:

بهترین مال انسان اندوخته های صدقه است!

صدقه، اندوخته ای واقعی است. در دنیا هر چه خرج شود، از بین رفته و از دارایی انسان کاسته می شود جز آنچه برای خدا خرج گردد.

هر چه و هر مقدار، که برای خدا مصرف شود، خداوند خودش آن را نگه می دارد تا در بهترین وقت، آن را به بهترین شکل و میزان به صاحبش باز گرداند. از سوی دیگر، از آنجا که در این کلام نورانی، اندوخته شدن مال به وسیله صدقه را عامل بهترین مال شدن ثروت انسان بیان گردیده، می توان نتیجه گرفت که اگر خود صدقه نیز در این دنیا به صورت اندوخته درآید بهتر است. راه این کار هم وقف است. با وقف می توان سرمایه ای را برای صدقه در دنیا ماندگار کرد که هر لحظه و آن، صدقه باشد و هر روزش اندوخته ای باشد

۱ خَيْرُ مَالِ الْمَرْءِ ذَخَائِرُ الصَّدَقَةِ. بهترین مال انسان، اندوخته های صدقه است. تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۸۲

برای عالم آخرت. وقف باعث پیوند اندوخته دنیا با اندوخته آخرت می گردد که نتیجه آن پاداشی چندین برابر برای صاحبش می باشد. در واقع وقف اندوخته را اندوخته کرده و آن را به وسعت روزگار امتداد می بخشد. وقف کوره ای است که آهن صدق را فولاد می کند تا دوام و ماندگاریش بیشتر شود. وقف ضمن اینکه صدقه ماندگار را ماندگارتر می کند، بر میزان و مقدار آن نیز می افزاید و صندوق اندوخته را به میزانی که فقط خدا از آن آگاهی دارد، توسعه می دهد. وقف می تواند صدقه طیب و طاهری را که پیش خداوند متعال اندوخته شده است را چندین برابر کند.





خاتمه

آداب زیارت

و

زیارت نامه امام رضا علیه السلام

آداب زیارت

زیارت آدابی دارد که اگر زائر آنها را رعایت کند هم ثواب و پاداش بیشتری نصیب او می شود و هم بهره های معنوی و تربیتی بیشتری روزیش خواهد شد. در ذیل برخی از آداب ظاهری و باطنی زیارت به اختصار ذکر می گردد:

اول: غسل زیارت

دوم: پوشیدن لباس های پاک و تمیز و بهتر است سفید باشد.

سوم: عطر زدن و خوشبو کردن خود.

چهارم: ترک کلام بیهوده و لغو در طول مسیر.

پنجم: با آرامش و وقار حرکت کردن و گام ها را کوتاه برداشتن و توجه

نکردن به اطراف خود.

ششم: هنگام رفتن به سوی زیارت حرم مطهر زبان به ذکر مشغول باشد

به خصوص ذکر «الله اکبر» و «الحمد لله» و دهان به صلوات فرستادن بر

محمد و آل محمد علیهم السلام معطر شود.

هفتم: جلوی در ورودی ایستاده و اذن دخول بخواند. زائر هنگام اذن دخول

خواندن باید سعی کند حالت شکستگی و خضوع پیدا کند. برای این کار بهتر

است به جلال و بزرگی امام فکر کند و این نکته را مد نظر داشته باشد که

امام علیه السلام «آنگونه که در زیارتنامه اش می خواند» او را می بیند، از پیشینه

و اعمالش خبر دارد، کلامش را می شنود، و جواب سلامش را می دهد. از

سویی به محبت و لطفی که به شیعیان و زائران خود دارند توجه و فکر کند و از سوی دیگر گناهان و بدی های خود که باعث رنجش خاطر آن بزرگواران شده است را، یادآوری نماید.

هشتم: بوسیدن عتبه عالیه و آستانه مبارک

نهم: خواندن زیارت هایی که از معصومین (علیهم السلام) رسیده است مانند زیارت جامعه و امین الله.

دهم: بجا آوردن نماز زیارت

یازدهم: مقدم دانستن شرکت در نماز جماعت بر زیارت.

دوازدهم: خواندن دعا و قرآن و هدیه ثواب آن به صاحب مزار.

سیزدهم: بلند نکردن صدای خود در وقت زیارت و همچنین پرهیز از سخنان ناشایست و لغو و بیهوده و امور دنیایی در آن اماکن مقدس.

چهاردهم: توبه از گناهان؛ زیرا آن اماکن مقدس محل پذیرش توبه است. و همچنین تصمیم برای بهتر کردن افکار، رفتار و گفتار خود نسبت به زمان قبل از توفیق زیارت.

زیارتنامه

امام رضا علیه السلام

هنگامی که خواستی قبر مطهر امام رضا علیه السلام را زیارت کنی، پیش از آنکه از خانه بیرون روی غسل کن، و وقتی که غسل می کنی بگو:

اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي وَ طَهِّرْ لِي قَلْبِي وَ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ اجْرِ
عَلَي لِسَانِي مِدْحَتَكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ اللَّهُمَّ
اجْعَلْهُ لِي طَهُورًا وَ شِفَاءً

خدایا مرا پاک کن، و دلم را پاک گردان، و سینهام را بگشاه، و مدح و ثنای خودت را بر زبانم جاری ساز، که نیرویی نیست جز به تو. خدایا این غسل را برایم پاک کننده و شفا بخش قرار ده.

و در وقت بیرون رفتن از خانه می گویی:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ حَسْبِيَ اللَّهُ
تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَ إِلَيْكَ قَصَدْتُ وَ مَا
عِنْدَكَ أَرَدْتُ

به نام خدا و با خدا و به سوی خدا، و به جانب فرزند رسول خدا خدا مرا بس است، به خدا توکل نمودم. خدایا به سوی تو رو نمودم، و به جانب تو قصد کردم، و آنچه را نزد توست خواستم.

چون بیرون رفتی بر در خانه خود بایست و بگو:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَعَلَيْكَ خَلَفْتُ أَهْلِي وَمَالِي وَ
مَا حَوَّلْتَنِي وَبِكَ وَثَقْتُ فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ مَنْ
أَرَادَهُ وَلَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظَهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ [وَآلِهِ]
وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ فَإِنَّهُ لَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظْتَ

خدایا برویم را به سوی تو کردم، به امید تو پشت سر گذاشتم خاندان و مال و آنچه
را به من بخشیدی، به تو اعتماد کردم، پس مرا محروم مکن، ای آن که هر که او را قصد
کند محرومش نسازد، و کسی را که حفظ کرد تبااهش نسازد، بر محمد و خاندان محمد
درود فرست، و مرا به نگهداری ات نگاهدار، که هر که را تو حفظ کردی تباه نشود.

هر گاه خواستی به زیارت بروی غسل کن و وقتی که غسل می کنی بگو:

اللَّهُمَّ طَهَّرْنِي وَطَهَّرْ لِي قَلْبِي وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي وَأَجِرْ
عَلَى لِسَانِي مِدْحَتَكَ وَمَحَبَّتَكَ وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ
إِلَّا بِكَ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِيَامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ وَالِاتِّبَاعُ
لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَالشَّهَادَةُ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي
شِفَاءً وَنُورًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

خدایا مرا پاک کن، و دلم را پاک گردان، و سینه‌ام را بگشا، و مدح و و محبت و ثنایت را
بر زبانم جاری ساز، که نیوزی جز به تو نیست، به یقین دانستم که پایه و اساس دین من
تسلیم بودن به فرمان تو، و پیروی از راه و رسم پیامبرت، و گواهی بر تمام خلق توست.

خدایا این غسل را برای من شفا و نور قرار ده، که تو بر چیز توانایی

پس پاکیزه‌ترین لباس‌های خویش را بپوش، و با آرامی و وقار راه برو، و دلت به یاد خدا باشد، و الله اکبر و لا اله الا الله و سبحان الله و الحمد لله بگو، و گامهای خود را کوتاه بردار، و زمانی که وارد روضه مقدسه شوی بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ

به نام خدا، و با خدا، و بر آیین رسول خدا، درود خدا بر او و خاندانش، گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، و شریکی برای او نیست، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست، و اینکه علی ولی خداست

آنگاه به نزد ضریح برو و در حالی که قبله پشت سر تو است روبروی آن حضرت بایست و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّهُ

گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است و شریکی برایش نمی‌باشد، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و رسول اوست، و اینکه او

سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ

آقای پیشینیان و پسینیان، و آقای پیامبران و رسولان است. خدایا درود فرست بر محمد بنده و رسول و پیامبر و

و رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ سَيِّدِ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ صَلَاةً لَا يَقْوَى
عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ

آقای تمام آفریدگانت، درودی که نیروی شمردن آن را کسی جز تو نداشته باشد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِكَ
وَ أَخِي رَسُولِكَ الَّذِي

خدایا درود فرست بر امیر مؤمنان علی بن ابیطالب بندهات و برادر رسولت، آن وجود مبارکی که

أَنْتَ جَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ
الدَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ

او را به علم خود برگزیدی، و برای هر که از بندگانت خواستی او را راهنما قرار دادی، و دلیل بر وجود پیامبری که او

بِرِسَالَتِكَ وَ دِيَانٍ [دِيَانِ] الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَ فَضْلٍ [فَضْلِ]
قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ

را با رسالتهایت برانگیختی و او را به عدالت داور دین و فیصله بخش حکم خود در میان بندگانت نهادی،

الْمُهَيْمِنَ [الْمُهَيْمِنِ] عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ
اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و بر تمام اینها مسلط نمودی، سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَزَوْجَةِ وَلِيِّكَ وَ أُمَّ
السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ

خدایا درود فرست بر فاطمه دختر پیامبرت، و همسر ولیّات، و مادر دو فرزندزاده
پیامبره، حسن و حسین،

سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الطَّهْرَةِ الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ النَّقِيَّةِ
النَّقِيَّةِ الرَّضِيَّةِ الرَّكِيَّةِ سَيِّدَةِ

دو سرور جوانان اهل بهشت، آن بانوی پاک و پاکیزه و پاک گشته و بی عیب و پسندیده
و زکیّه،

نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا
غَيْرُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

سرور بانوان همه اهل بهشت، درودی که توان شمردن آن را کسی جز تو نداشته باشد.
خدایا درود فرست بر

الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سِبْطِي نَبِيِّكَ وَ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ
الْقَائِمِينَ فِي خَلْقِكَ وَ

حسن و حسین، دو فرزندزاده پیامبرت، و دو سرور جوانان اهل بهشت، دو قیام کننده در میان بندگانت، و

الدَّلِيلَيْنِ عَلَيَّ مَنْ بَعَثَتْ [بَعَثْتَهُ] بِرِسَالَاتِكَ وَ دِيَانِي الدِّينِ
بِعَدْلِكَ وَ فَضْلِي قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ.

دو راهنما بر وجود پیامبری که او را به رسالت‌های برگزیدی و دو داور دین به دادگری و دو فیصله‌بخش حکم خود در میان بندگانت.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ عَلَيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَبْدِكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ
وَ الدَّلِيلِ عَلَيَّ مَنْ بَعَثَتْ

خدایا درود فرست بر علی بن الحسین بنده قیام کننده در میان بندگانت، و راهنما بر پیامبری که او را به

بِرِسَالَاتِكَ وَ دِيَانِ الدِّينِ بَعْدَكَ وَ فَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ
خَلْقِكَ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ

رسالت‌های برگزیدی، و داور دین به دادگری و فیصله‌بخش حکم خود در میان بندگانت، سرور بندگی کنندگانت.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَ خَلِيفَتِكَ فِي
أَرْضِكَ بَاقِرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ

خدایا درود فرست بر محمد بن علی بنده و خلیفه‌ات در زمین، شکافنده دانش پیامبران.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَبْدِكَ وَوَلِيِّ
دِينِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ الصَّادِقِ الْبَارِّ

خدایا درود فرست بر جعفر بن محمد صادق، بنده و ولی دینت، و حجت بر همه
بندگان، آن راستگوی نیکوکار.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ عَبْدِكَ الصَّالِحِ وَلِسَانِكَ
فِي خَلْقِكَ النَّاطِقِ بِحُكْمِكَ [بِحِكْمَتِكَ] وَالْحُجَّةِ عَلَى
بَرِيَّتِكَ

خدایا درود فرست بر موسی بن جعفر، بنده‌ش ایستہات، و زبانت در بین بندگان، آن
گویای به قانون و فرمانت و حجت بر مخلوقات.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا المُرْتَضَى عَبْدِكَ وَ
وَلِيِّ دِينِكَ الْقَائِمِ بَعْدَكَ وَالدَّاعِي إِلَى دِينِكَ وَدِينِ آبَائِهِ
الصَّادِقِينَ صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ

خدایا درود فرست بر علی بن موسی الرضا، آن پسندیده پیشگاہت و بنده و ولی دینت، قیام
کننده به دادگری و دعوت کننده به سوی دین تو، و دین پدران راستگوش، درودی کہ
توان شمردن آن را کسی جز تو نداشته باشد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ الْقَائِمِ
بِأَمْرِكَ وَالدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ

خدایا درود فرست بر محمد بن علی بنده و ولی ات قیام کننده به امرت، و دعوت کننده

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ.

خدایا درود فرست بر علی بن محمد بنده و ولی دینت.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَامِلِ بِأَمْرِكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ وَحُجَّتِكَ الْمُؤَدَّى عَنْ نَبِيِّكَ وَشَاهِدِكَ عَلَى خَلْقِكَ الْمَخْصُوصِ بِكَرَامَتِكَ الدَّاعِي إِلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

خدایا درود فرست بر حسن بن علی عمل کننده به فرمانت، قیام کننده در میان بندگانت، و حجت که ادا کننده بود از طرف پیامبرت، و گواهی بر بندگانت اختصاص یافته به کرامتت، دعوت کننده به طاعتت و طاعت رسولت، درودهایت بر همه آنان باد

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ صَلَاةً تَامَةً نَامِيَةً بَاقِيَةً تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ وَتَنْصُرُهُ بِهَا وَتَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

خدایا درود فرست بر حجت و ولیت، قیام کننده در میان بندگانت، درودی کامل، روینده، پایدار که به آن درود در گشایش امرش شتاب کنی، و به آن یاری اش نمایی، و ما را در دنیا و آخرت با او قرار دهی.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَأَوْلِيَهِمْ وَلِيَّهُمْ وَأَعَادِيهِمْ عَدُوَّهُمْ فَارْزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاصْرِفْ عَنِّي بِهِمْ شَرَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

خدای من به محبت ایشان به تو تقرب می جویم و دوست دارم دوست ایشان را، و دشمن دارم دشمن آنان را، پس به حق آنان خیر دنیا و آخرت را نصیبم کن، و شر دنیا و آخرت و هراسهای روز قیامت را از من بازگردان.

سپس نزد سر آن حضرت می نشینی و می گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي

سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای نور خدادار تاریکیهای
زمین،

ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ

سلام بر تو ای ستون دین، سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ

سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ

سلام بر تو ای وارث اسماعیل قربانی خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
وَارِثَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ

سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد فرستاده خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ وَلِيِّ اللَّهِ وَوَصِيِّ
رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سلام بر تو ای وارث امیر مؤمنان علی ولی خدا، و جانشین فرستاده پروردگار جهانیان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
وَارِثَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ،

سلام بر تو ای وارث فاطمه زهرا، سلام بر تو ای وارث حسن و حسین

سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ بْنِ
الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ

دو سرور جوانان اهل بهشت، سلام بر تو ای وارث علی بن الحسین زیور پرستندگان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ
وَالْآخِرِينَ

سلام بر تو ای وارث محمد بن علی، شکافنده دانش پیشینیان و پسینیان،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْبَارِّ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ

سلام بر تو ای وارث جعفر بن محمد، راستگوی نیکوکار، سلام بر تو ای وارث موسی بن جعفر،

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّادِقُ الشَّهِيدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الْوَصِيُّ الْبَارُّ التَّقِيُّ

سلام بر تو ای وارث راستگوی شهید، سلام بر تو ای جانشین نیکوکار پرهیزگار.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ
بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ [مُخْلِصًا] حَتَّى
أَتَاكَ الْيَقِينُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ
بِرَّكَاتُهُ.

گواهی می‌دهم که تو نماز را بپا داشتی، و زکات دادی، و امر به معروف و نهی از منکر نمودی، و خدا را (خالصانه) عبادت کردی، تا مرگ تو را در رسید، سلام بر تو باد ای ابا الحسن و رحمت و برکات خدا.

بعد خود را به ضریح می‌چسبانی و می‌گویی:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدٌ مِنْ أَرْضِي وَقَطَعْتُ الْبِلَادِ رَجَاءً
رَحْمَتِكَ

خدایا به خاطر رضای تو از وطنم هجرت کردم، و به امید رحمتت شهرها را پشت سر گذاشتم.

فَلَا تُخَيِّبْنِي وَلَا تَرُدَّنِي بِغَيْرِ قَضَاءٍ حَاجَتِي وَارْحَمْ تَقَلُّبِي
عَلَى قَبْرِ ابْنِ أَخِي رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ

پس ناامیدم مکن، و بدون برآوردن حاجتم، بازم مگردان، و رفت و آمدم را بر قبر برادر
فرزند فرستاده‌ات، (درود تو بر او و خاندانش) رحم کن،

بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا مَوْلَايَ أَتَيْتُكَ زَائِرًا وَافِدًا عَائِدًا مِمَّا
جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي وَ اِحْتَطَبْتُ عَلَى ظَهْرِي فَكُنْ لِي شَافِعًا
إِلَى اللَّهِ يَوْمَ فَقْرِي وَ فَاقَتِي فَلكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامٌ مَحْمُودٌ وَ أَنْتَ
عِنْدَهُ وَجِيهٌ.

پدر و مادرم فدایت ای مولایم، به سوی تو برای زیارت آمدم، بر تو واردم، از آنچه خود
جنایت کرده‌ام، بر پشتم بار کرده‌ام به تو پناه آوردم، به درگاه خدا شفیع من باش در روز
تهیدستی و نداری، برای تو نزد خدا مقامی بس ستوده است، و تو نزد او بس ابرومندی.

پس دست راست را بلند می‌کنی و دست چپ را بر قبر می‌گشایی و
می‌گویی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَ بَوَالِيَتِهِمْ أَتَوَلَّى آخِرُهُمْ
بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَاهُمْ

خدایا به سوی تو تقرب می‌جویم با دوستی و ولایت ایشان، آخرین آنها را دوست
دارم، آنگونه که دوست داشتیم اولین آنها را،

وَ أَبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَ لِيَجَةَ دُونَهُمُ اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ

وَأَتَّهُمُ وَاٰبَاءَهُمْ وَجَدُّوْا بِآيَاتِكَ وَسَخِرُوا بِإِمَامِكَ وَحَمَلُوا
النَّاسَ عَلَى أَكْتَافِ آلِ مُحَمَّدٍ

و بیزاری می جویم از هر یاری غیر ایشان. خدایا لعنت کن کسانی را که نعمت را
دگرگون کردند، و پیامبرت را متهم نمودند، و آیات را منکر شدند، و امام برگزیده را
ریشخند زدند، و مردم را علیه خاندان محمد مسلط کردند،

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْهُمْ فِي
الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا رَحْمَانُ

خدایا من با لعنت بر آنان و بیزاری از ایشان در دنیا و آخرت به تو تقرب می جویم ای
مهربان.

آنگاه باز می گردی، و به نزد پای آن حضرت می روی و می گویی:

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ صَلَّى اللهُ عَلَيَّ رُوحَكَ وَ
بَدَنِكَ صَبْرَتَ وَ أَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدَّقُ قَتَلَ اللهُ مَنْ قَتَلَكَ
بِالْأَيْدِي وَ الْأَلْسُنِ.

درود خدا بر تو ای ابوالحسن، درود خدا بر روح و پیکرت شکیبایی نمودی، تویی راستگوی
تصدیق شده، خدا بکشد کسانی را که تو را با دستها و زبانهایشان کشتند.

سپس زاری کن و در لعنت بر قاتل امیر مؤمنان علیه السلام و قاتلان
حسن و حسین علیهم السلام و قاتلان همه اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله
بیفزای، آنگاه از پشت قبر برو، و بالای سر آن حضرت دو رکعت
نماز بجا بیاور، در رکعت اول بعد از حمد سوره یس، و در رکعت

دوم بعد از حمد سوره الرّحمن را بخوان و در دعا و زاری بکوش و برای خود و پدر و مادرت و همه برادران اهل ایمان خویش، بسیار دعا کن و آنچه خواهی نزد سر آن حضرت توقف کن، این را هم بدان، که لعنت کردن بر قاتلان ائمه : به هر زبانی انجام گیرد خوب است و اگر زائرین این عبارت را که از بعضی دعاها گرفته شده بخواند، شاید مناسب تر باشد:

اللَّهُمَّ الْعَن قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقَتْلَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ
السَّلَامَ وَقَتْلَةَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ الْعَن أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ
قَتَلْتَهُمْ وَزَدْتَهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ وَهَوَانًا فَوْقَ هَوَانٍ وَذُلًّا فَوْقَ
ذُلٍّ وَخِزْيًا فَوْقَ خِزْيٍ اللَّهُمَّ دُعُهُمْ إِلَى النَّارِ دَعَاً وَأَرْكَسَهُمْ
فِي أَلِيمٍ عَذَابِكَ رُكْسًا وَاحْشُرْهُمْ وَأَتَّبِعْهُمْ إِلَى جَهَنَّمَ زُمْرًا.

خدایا قاتلان امیر مؤمنان، و قاتلان حسن و حسین (درود بر ایشان) و قاتلان اهل بیت پیامبرت را لعنت کن. خدایا دشمنان و قاتلان خاندان محمد را لعنت کن، و بر آنان بیفزا عذابی بر عذاب، و خواری بر خواری، و زبونی بر زبونی، و رسوایی بر رسوایی. خدایا آنان را به سوی آتش پرتاب کن، پرتابی سخت و در عذاب دردناکت نگونسارشان گردان نگونساری شدید، و ایشان و پیروانشان را گروه گروه به سوی دوزخ محشور کن.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
بَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِنْ
تَلْحُمٍ فَجَعَلَ خَلْقَهُ
سَمْعًا وَبَصَرًا وَنَفْسًا
ذَاتَ حَيَاةٍ وَجَهْرًا
وَسَكْرًا

